



خداباوری در انتقال فرهنگ دینی بر خدانشناسی اولویت دارد/ انتقال فرهنگ به نسل بعد را بلد نیستیم

یک قرآن پژوه با تأکید بر اینکه انتقال فرهنگ دینی روش می خواهد، تصریح کرد: یک اشتباه فاحش در این زمینه این است...

یک پژوهشگر دینی :

خداباوری در انتقال فرهنگ دینی بر خدانشناسی اولویت دارد/ انتقال فرهنگ به نسل بعد را بلد نیستیم

یک قرآن پژوه با تأکید بر اینکه انتقال فرهنگ دینی روش می خواهد، تصریح کرد: یک اشتباه فاحش در این زمینه این است که ما بیش از آنکه به مسائل دینی از حیث ایجاد یک علقه روحی توجه کنیم به مسائل دینی به مثابه مقولات نظری توجه می کنیم؛ یعنی ما در جامعه خود تلاش می کنیم به چه هایمان خدانشناسی و پیغمبرشناسی یاد بدهیم در حالیکه قرآن کریم بر#171؛ خداباوری» و احساس مسئولیت در برابر خداوند تأکید دارد. حجت الاسلام عبدالکریم بهجت پور عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در مورد خطراتی که فرهنگی دینی جامعه ما را تهدید می کند، به خبرنگار مهر گفت: اگر تعریف درستی از فرهنگ داشته باشیم، فرهنگ دینی غیر از عمل کردن به دین است و حتی غیر از یک سلسله مطالب دینی است که بین مردم رد و بدل می شود. فرهنگ به جنبه پایدار و مانای یک فکر و یک بارو و یک رفتار و یک ارزش در جامعه مربوط می شود. ما وقتی از فرهنگ دینی سخن می گوئیم بخش ماندگار دین در حوزه فرهنگ را مورد بررسی قرار می دهیم یعنی مجموعه ای از باورها، عقاید و ارزشها که نهاده شده است.

این قرآن پژوه تصریح کرد: یکی از آسیبهایی که فرهنگ دینی را مورد تهدید قرار می دهد، قانع شدن به سطح داشته های فعلی ما از فرهنگ است و بسنده کردن به حدی از معرفت دینی و رفتار و ارزش دینی که امروزه در زندگی مشاهده می کنیم. این اتکای به داشته و عدم تلاش برای گسترش آن و تعمیق آن و نفوذ دادن آن به بخشهای دیگر زندگی از جمله آسیبهایی است که فرهنگ دینی با آن مواجه می شود.

عدم توانایی در انتقال فرهنگ دینی موجب گسل بین نسل قبل و بعد می شود

بهجت پور افزود: از آن طرف ما به طور طبیعی با انتقال فرهنگی مواجهیم. یعنی نسلی می آیند که یکسری از باورها، ارزشها یا رفتار را در بین خود نهاده می کنند و به عنوان فرهنگ آن را می پذیرند اما قدرت انتقال به نسل بعد را ندارند و در این فرایند انتقال گاهی اتفاقی می افتد و صاحبان مدیریت فرهنگی یا صاحبان قدیم فرهنگ قدرت انتقال آن را به نسل بعد خود ندارند و نمی توانند فرزندان شان و یا نسل بعد را در برابر انتظاراتی که دین دارد، قانع کنند و چون قانع نمی کنند و نفوذ نمی دهند در انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد گسل اتفاق می افتد و این گسل باعث می شود زحمات گذشته از بین می رود.

وی تأکید کرد: در قرآن نیز به این مسئله اشاره شده است که #171؛ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا (سوره مریم آیه 59) سپس در پی آنها جانشینانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهواتهای (نفس) پیروی کردند، پس به زودی (سزا و کیفر) گمراهی خود را خواهند دید. آسیب دومی که فرهنگ با آن مواجه می شود گسل فرهنگی بین نسل گذشته و آینده است که باید مورد توجه قرار گیرد.

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به آسیب سوم در فرهنگ دینی اشاره کرد و افزود: مسئله دیگر این است که ما با یکسری فرهنگهای وارداتی مواجه شویم و بدون پالایش و ارزیابی آنها را وارد فرهنگ دینی خود کنیم. گاهی فرهنگ در قالب هنر، تجارت، و حتی نوع ماشینی که انتخاب می کنیم و غیره وارد می شود و ما را که در برابر این جریان وارداتی هوشیاری نداریم پس از مدتی با یک چالش بزرگی به نام فاصله گرفتن از فرهنگ دینی مان و رفتن به سمت فرهنگ جدید مواجه می کند.

وی یادآور شد: مثلاً در یک خانواده به دلایلی پدر و مادر از فرزندان و از روزگار عقب می مانند و یا روش انتقال فرهنگ را به نسل بعد اصلاً بلد نیستند و یا چنان کند حرکت می کنند که نسل جدید و یا فرزندانشان احساس می کنند نمی توانند به آنها تکیه کنند. مسئولین ممکن است توجهی به شرایط جدید نکنند و شیوه رفتاری شان به گونه ای باشد که نتوانند به عنوان مربیان جامعه جدید نقش خود را به خوبی ایفا کنند به این معنی که جامعه جدید و نسل جوان به آنها اعتماد نکند و اگر این اعتماد از بین برود و نسل جدید احساس کند نسل قدیم قدرت رهبری او را ندارد قطعاً گسل فرهنگی اتفاق می افتد.

بزرگترین مشکل ما نداشتن روش انتقال فرهنگ دینی است

حجت الاسلام بهجت پور تأکید کرد: عواملی که باعث این گسل می شود مختلف است؛ مثلاً نسل قدیم رفتار بدی داشته باشد و در

حوزه دین ادعایش مطابق رفتارش نباشد. به پختگی طرح مسائل دینی نرسیده باشند و تکلیف بسیاری از مباحث فرهنگ دینی را روشن نکرده باشند و مسکوت گذاشته باشند. مثلاً ما در انتقال فرهنگی نتوانستیم مسئله نیازهای جنسی جوانان را حل کنیم و یا نتوانستیم مسئله فرهنگ اشتغال و ... را حل کنیم و وقتی ما نتوانستیم برخی مسائل را حل کنیم به طور طبیعی عقب می مانیم و نسل بعد اعتماد به این جمع را از دست می دهد.

وی با بیان اینکه بزرگترین مشکل ما نداشتن روش انتقال فرهنگ دینی است، افزود: مثلاً یک پدر و مادر قدرت گفتگو با فرزندش را ندارد و به سرعت با غضب با او برخورد می کند و مجال گفتگو نمی دهد و برخوردی تحکم آمیز دارد خوب اگر در جامعه ای مدیران نقش والدین غضبناک احساسی و تند را ایفا کنند و فرصت ندهند به فرزندان شان تا گفتگو کنند و نظراتشان را بگویند و به جای آنها بخواهند تصمیم بگیرند، آیا انتقال فرهنگی صورت می گیرد؟

این قرآن پژوه گفت: از حیث روش ما چگونه می توانیم فرهنگی مثل حجاب را در جامعه نهادینه کنیم و یا ما چگونه می توانیم خداواری-نه خداشناسی- را در جامعه نهادینه کنیم و به نسل بعد باور به معاد و باور مسئولیت نسبت به خدا را منتقل کنیم؟ این روش دارد و حالا اگر جامعه مربیان و فرهنگیان نتوانند و یا ندانند که چگونه باید این انتقال صورت گیرد و روش آن چیست؟ و اولویتها کدام است؟ چگونه می توانند این انتقال فرهنگی را به خوبی انجام دهند.

بهجت پور تأکید کرد: بنابراین نسل گذشته ما برای اینکه بتواند انتقال فرهنگی را به خوبی انجام دهد باید چند توانایی و چند آگاهی را داشته باشد که یکی از این توانایی ها قدرت شنیدن و ایجاد گفتگو و ارتباط با نسل جوان است و دیگری این است که روش انتقال را داشته باشند.

فرمایش حضرت امیر(ع) در لزوم درک افق پیشرو/ در انتقال فرهنگ دینی اولویت بر خداواری است تا خداشناسی

وی در مورد راهکارهای تقویت دینی نیز گفت: حضرت امیرالمؤمنین(ع) توصیه ای می فرمایند که در دل آن خیلی حرفها نهفته است. حضرت می فرماید: فرزندان را برای آینده تربیت کنید. اگر والدین و یا نهادهای متولی فرهنگ، می خواهند انتقال فرهنگی را داشته باشند باید قدرت پیش بینی آینده را داشته باشد. ما اگر این توانایی را پیدا کنیم که قدرت درک افق پیشرو را داشته باشیم در انتقال فرهنگی موفق خواهیم شد.

وی افزود: ثانیاً یک اشتباه فاحشی در انتقال فرهنگی صورت می گیرد و آن این است که بیش از آنکه به مسائل دینی از حیث ایجاد یک علقه روحی و شخصیت دینی توجه شود به مسائل دینی به مثابه مقولات نظری و فکری توجه می شود. یعنی ما در جامعه خود تلاش می کنیم به بچه هایمان خداشناسی و پیغمبرشناسی یاد بدهیم در حالیکه قرآن کریم مقوله ای را که مورد تأکید قرار داده است «#& خداواری» و احساس مسئولیت در برابر خداوند است. ایمان چیزی است که در حوزه فرهنگ دین مورد توجه است در حالیکه آموزش مورد توجه ما است و این تفاوت نگاه باید رفع شود. مدیران فرهنگی باید به دنبال روشی برای متدین بار آوری جامعه داشته باشند نه دین شناس کردن جامعه.

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تأکید کرد: مسئله دیگر اینکه حوصله مطالعات عمیق در جامعه در حال فروکش کردن است و جامعه دارد عادت می کند که مسائل را در قالبهای ساده ترویجی-تبلیغی و در قالب طنز یا فیلم و غیره فرا بگیرد. ساده کردن روشهای انتقال و عادت دادن جامعه به فهم های لایه های سطحی باعث می شود جامعه به تدریج از فرهنگ مطالعه کتب عمیق و تعقیب مسائل عمیق فاصله بگیرد و انتقال فرهنگی صورت نگیرد. امروز هم مربیان فرهنگی و هم خانواده ها در این زمینه توانمند شوند و اگر چنین شود درصد قابل قبولی از ضعفی که ما با آن مواجه هستیم، حل خواهد شد.